

شناسایی و تحلیل چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران با رویکرد آمیخته: دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است. روش پژوهش به لحاظ ماهیت داده از نوع آمیخته (کیفی و کمی) و به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای بود. روش تحقیق در بخش کیفی از نوع تحلیل مضمون و در بخش کمی از نوع پیمایشی بود. مشارکت‌کنندگان پژوهش را خبرگان و اساتید حوزه علوم ارتباطات سیاسی تشکیل می‌داد که از طریق نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی به تعداد ۱۲ نفر انتخاب گردید و تعداد انتخاب نمونه به صورت اشباع نظری انتخاب گردید و جامعه آماری در بخش کمی را دانشجویان که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه به تعداد ۳۸۴ نفر مشخص گردید. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند و در بخش کمی از طریق پرسشنامه مستخرج از بخش کیفی بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی با استفاده از فن مضمون و در بخش کمی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری و از طریق نرم‌افزار SmartPLS انجام شد. اعتبار و اطمینان داده‌ها با استفاده از روش‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته، ۲۵۲ کد در مرحله کدگذاری به دست آمد که پس از حذف کدهای مشابه به ۱۳۶ کد پایه کاهش یافت که در نهایت این کدها در ۲۹ مضمون فرعی، ۶ مضمون اصلی دسته‌بندی شدند. نتایج منجر به شناسایی شش مضمون فراگیر (چالش سیاسی، چالش اقتصادی، چالش قانونی، چالش محیطی، چالش رسانه و چالش حاکمیتی)، ۲۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۳۶ مضمون پایه گردید. لذا توجه به چالش‌های شناسایی شده می‌تواند باعث افزایش مشارکت سیاسی در کشور شود و همچنین رضایتمندی مردم را در پی داشته باشد.

واژگان کلیدی: انتخابات، مشارکت سیاسی، مسائل اقتصادی، رسانه، ایران

مقدمه

مشارکت سیاسی در مطالعات اخیر در مورد رفتار سیاسی شهروندان، مشروعیت دموکراتیک، «عملکرد دموکراتیک همراه با افزایش احساسات پوپولیستی» (اوزر و هوگه^۱، ۲۰۱۸: ۷۱۱)، جامعه مدنی و الکترونیک مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب مشارکت سیاسی برای مشروعیت دموکراتیک مهم است (جانسون^۲، ۲۰۱۵: ۷۶۵-۷۶۶). زیرا در قلب دموکراسی مدرن قرار دارد (ادر و اساتیدلمن-استفن^۳، ۲۰۱۷) و جامعه مدنی بدون آن، هیچ دموکراسی مؤثری نمی‌تواند وجود داشته باشد» (ویتلی^۴، ۲۰۱۲: ۳۴). اعتقاد بر این است که مشارکت سیاسی نه تنها باعث احیای دموکراسی می‌شود، بلکه منجر به مسئولیت‌پذیری، توسعه انسانی و رشد متعادل اجتماعی-اقتصادی نیز می‌شود (برودی و همکاران^۵، ۲۰۰۹؛ ایوالدی و همکاران^۶، ۲۰۱۷).

با این حال، تنوع گسترده تعاریف مشارکت سیاسی منجر به نتایج پژوهشی متفاوتی شده است، از جمله آنهایی که مشارکت‌های مدنی غیرسیاسی را مشارکت سیاسی می‌دانند. برای مثال، در برخی از مطالعات، «پوشیدن نشان یا برچسب» (اوزر و هوگه، ۲۰۱۸)، «حضور در یک انجمن مدنی، ثبت نام برای دنبال کردن یک سیاستمدار» (یاماموتو و ناح^۷،

¹ Oser & Hooghe

² Johnson

³ Eder & Stadelmann-Steffen

⁴ Whiteley

⁵ Brodie & et al

⁶ Ivaldi & et al

⁷ Yamamoto & Nah

2018)، مشارکت سیاسی در نظر گرفته شده و همراه با کنش‌های سیاسی مشخص‌تر اندازه‌گیری می‌شوند. هن و همکاران^۱ (2018) مشارکت سیاسی را حتی شامل فعالیت‌های اجتماعی خاصی مانند «فعال بودن در یک سازمان داوطلبانه، مانند انجمن اجتماعی، گروه خیریه، یا یک باشگاه ورزشی» و «بحث کردن در مورد سیاست با خانواده یا دوستان، به عنوان اقدامات سیاسی غیر نهادی بیان می‌کند. به طور مشابه، کیلی‌بایوا و همکاران^۲ (2017) فعالیت‌های زیر را مشارکت سیاسی در تحقیقات خود می‌دانستند: بحث درباره مسائل سیاسی با خانواده و دوستان، علاقه و توجه جوانان به سیاست، نظر جوانان که سیاست مهم است، خواندن و تماشای اخبار، و مشارکت مدنی (داوطلبانه، خیریه و غیره). استرومبک و همکاران^۳ (2018، ص 432)، مشارکت سیاسی در رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی، وبسایت‌ها و وبلاگ‌های سیاسی را به عنوان اشکال مشارکت سیاسی آنلاین ارائه کردند. بسیاری از مطالعات تحقیقاتی اضافی، فعالیت‌های اجتماعی را مشارکت سیاسی می‌دانند. اگر کسی تماشای اخبار یا خواندن وبلاگ‌های سیاسی را مشارکت سیاسی به حساب آورد، می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق مردم در سیاست شرکت می‌کنند. اما این کاملاً دقیق نیست. در نتیجه، استفاده نادرست از مفهوم مشارکت سیاسی منجر به نتایجی مبالغه آمیز در مطالعات مختلف شده است. در این تحقیق ضمن بررسی دقیق مفهوم مشارکت سیاسی به بررسی چالش‌های مشارکت سیاسی در جامعه ایران طی سال‌های 1396 و 1400 پرداخته می‌شود. لذا این مسأله از دید خبرگان و متخصصان سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. به همین دلیل سؤال اصلی پژوهش این است که چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ چیست؟ اهمیت و ضرورت موضوع:

مشارکت سیاسی یکی از ابعاد کلیدی مشارکت اجتماعی است و هدف اصلی آن انتخاب حاکمان و شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. از زمان انقلاب اسلامی 1357، جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی در زمینه مشارکت سیاسی مواجه بوده است. این مشارکت در دوره‌های مختلف تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی تغییر کرده است؛ برای مثال، انتخابات 1376 با حضور فعال مردم برای اصلاحات سیاسی همراه بود، اما در انتخابات‌های بعدی، مسائل اقتصادی مانند معیشت و تحریم‌ها نقش مهمی در میزان مشارکت داشته‌اند.

اهمیت مشارکت سیاسی در ایران در چند محور قابل بررسی است:

- **تعیین مشروعیت حکمرانی:** مشارکت مردم به‌عنوان شاخصی از مقبولیت نظام، اهمیت زیادی دارد و جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده مشارکت حداکثری را به دست آورد.
- **توسعه سیاسی:** مشارکت آزادانه مردم در انتخابات و امکان انتخاب نمایندگان مورد قبول خود، از شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی است و احزاب نقش محوری در تقویت این فرآیند دارند.
- **پایش وضعیت جامعه:** میزان مشارکت، بازتاب نگرانی‌ها و مطالبات مردم است و نشان‌دهنده تأثیر مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر انگیزه شهروندان برای حضور در انتخابات است.
- **فراز و نشیب مشارکت:** مشارکت سیاسی در ایران همواره دچار نوسان بوده است؛ عواملی مانند بحران اقتصادی، تحریم‌ها و ناکامی در تحقق وعده‌ها، کاهش حضور مردم در انتخابات را به همراه داشته است.

¹ Henn & et al

² Kilybayeva & et al

³ Strömbäck & et al

بنابراین، بررسی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) اهمیت دارد تا چالش‌های مشارکت سیاسی و تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی بر انگیزه مردم برای حضور در عرصه سیاسی روشن شود.

پیشینه تحقیق:

در این قسمت به بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه موضوع پژوهشی پرداخته می‌شود. نوریان و همکاران (۱۴۰۲): مشارکت سیاسی در ایران از نظر ژئوپلیتیک بررسی شد. مشارکت سیاسی نقش مهمی در توسعه و ثبات جامعه، تقویت هویت فرهنگی، فعالیت احزاب، حضور زنان و مطالبات اجتماعی دارد و مبنای مشروعیت سیاسی محسوب می‌شود.

شب افروز اکبری و همکاران (۱۴۰۲): بحران‌های اقتصادی، تحریم‌ها و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران باعث کاهش مشارکت سیاسی و ایجاد شکاف مشروعیت و اختلال در وحدت ملی شده است.

روانبخش محمدی و همکاران (۱۴۰۱): شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در افزایش مشارکت سیاسی دارند؛ نگاه مثبت مدیران به این شبکه‌ها مشارکت را تقویت می‌کند و نگاه منفی مانع آن می‌شود.

عباسی شوازی و همکاران (۱۴۰۱): جامعه‌پذیری سیاسی و اثربخشی سیاسی بیشترین تأثیر را بر مشارکت دانشجویان دارند؛ آگاهی سیاسی تأثیر مستقیم کمی دارد ولی اثر غیرمستقیم آن وجود دارد.

ملتفت و همکاران (۱۴۰۰): دینداری بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار است؛ بعد عاطفی بیشترین تأثیر و بعد شناختی و تجربی کمترین تأثیر را دارند.

احمدی سفیدان و نصیرزاده (۱۳۹۹): مشارکت سیاسی کاهش اضطراب اجتماعی را کاهش می‌دهد و ارزش‌های مذهبی، تبلیغات و عملکرد پوپولیستی دولت‌ها بر مشارکت در انتخابات تأثیرگذار است.

محمدی، باوندپوری و رحیم عیوضی (۱۳۹۸): نهادینه نشدن احزاب باعث کاهش مشارکت، انتخاب افراد فاقد صلاحیت، شخصیت‌محور شدن انتخابات و سوءاستفاده مخالفان از مشارکت سیاسی می‌شود.

ابراهیمی کیایی و همکاران (۱۳۹۷): احساس اثربخشی سیاسی بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی انتخاباتی و غیرانتخاباتی دارد و کسب منفعت تأثیر کمتری دارد.

عبدال مطلب (۱۳۹۶): مؤلفه‌های مذهبی همواره شاخص مهمی در رفتار رأی‌دهی و مشارکت سیاسی ایرانیان بوده است. آلبرتو آردول ابرو و همکاران (۲۰۲۰): باورهای توطئه باعث کاهش مشارکت سیاسی متعارف و افزایش عدم اعتماد به پاسخگویی سیستم سیاسی می‌شوند و اثربخشی سیاسی نقش میانجی دارد.

مغدلینا کیتانوا (۲۰۱۸): مشارکت سیاسی جوانان در اتحادیه اروپا متفاوت است؛ جوانان در دموکراسی‌های مستقر فعالیت بیشتری دارند و این یافته‌ها نگرانی‌های جدیدی درباره سطح مشارکت جوانان ایجاد کرده است.

محمد سعود و همکاران (۲۰۲۰): جوانان در پاکستان به طور فزاینده‌ای در فعالیت‌های دموکراتیک، اجتماعی و سیاسی مشارکت می‌کنند و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالایی دارند.

جاشوا مک دونل (۲۰۱۹): شهروندان شهرداری‌های کوچک احساس کارایی سیاسی بیشتری دارند و در سیاست‌های محلی مشارکت بالاتری دارند.

پژوهش‌های انجام شده در زمینه مشارکت سیاسی در ایران و جهان عمدتاً بر بررسی عوامل کلان و خرد تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی تمرکز داشته‌اند. تحقیقات داخلی نشان داده‌اند که مؤلفه‌های فرهنگی، مذهبی، جامعه‌پذیری سیاسی، اثربخشی سیاسی، شبکه‌های اجتماعی و نهادینه بودن احزاب نقش مهمی در شکل‌گیری مشارکت دارند (نوریان و همکاران، ۱۴۰۲؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ملتفت و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین برخی پژوهش‌ها بر پیامدهای اقتصادی و سیاسی مشارکت یا عدم مشارکت مردم در انتخابات و تأثیر عملکرد دولت‌ها و تبلیغات انتخاباتی تأکید کرده‌اند (شب افروز اکبری و همکاران، ۱۴۰۲؛ احمدی سفیدان و نصیرزاده، ۱۳۹۹).

با این وجود، این پژوهش‌ها محدودیت‌هایی دارند:

- اکثر مطالعات به بررسی عوامل کلی و بلندمدت مشارکت سیاسی پرداخته‌اند و به تحلیل بازه‌های زمانی مشخص و کوتاه‌مدت که تحت تأثیر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ویژه بوده‌اند، توجه کمی داشته‌اند.
- مطالعات بیشتر به ابعاد فردی و روان‌شناختی مشارکت پرداخته‌اند و کمتر به عوامل ساختاری و چالش‌های عملی مشارکت سیاسی در انتخابات پرداخته شده است.
- تحقیقات خارجی گرچه تجربه‌های مقایسه‌ای ارائه داده‌اند، اما ویژگی‌ها و محدودیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران را در نظر نگرفته‌اند (مثلاً مطالعات کیتانوا و سعود و همکاران).
- در بیشتر پژوهش‌های داخلی، تأثیر ترکیبی عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در دوره‌های مشخص و بحرانی به صورت تحلیلی و آماری بررسی نشده است.

لذا شرایط و معیارهای زیر باعث نوآوری این تحقیق شده است:

- تمرکز بر دوره زمانی مشخص (1396 تا 1400): این بازه شامل شرایط بحرانی اقتصادی و سیاسی، تغییر دولت‌ها و تأثیر تحریم‌ها است که بر مشارکت سیاسی اثر مستقیم داشته‌اند.
- تحلیل چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران: برخلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر به عوامل مؤثر بر مشارکت پرداخته‌اند، این تحقیق به بررسی موانع و مشکلات واقعی حضور مردم در انتخابات و سایر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد.
- ترکیب عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی: این پژوهش به بررسی تعامل میان بحران‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی و ساختاری، و رفتار انتخاباتی مردم می‌پردازد که کمتر در مطالعات پیشین دیده شده است.
- ارتباط با سیاست‌گذاری: نتایج این تحقیق می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان سیاسی کمک کند تا با شناخت دقیق چالش‌ها، راهکارهای افزایش مشارکت حداکثری مردم را طراحی کنند.

به طور خلاصه، این تحقیق با تمرکز بر چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران در دوره‌ای بحرانی، ترکیبی از تحلیل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را ارائه می‌دهد و خلأ موجود در پیشینه پژوهش‌ها را پر می‌کند، که نقطه قوت و نوآوری اصلی آن محسوب می‌شود.

روش

این پژوهش به لحاظ ماهیت داده، جزء پژوهش‌های آمیخته (کیفی- کمی) و به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای است که در زیر به صورت جداگانه توضیح داده شده است:

الف: بخش کیفی

روش تحقیق در بخش کیفی از نوع مطالعه موردی بود که از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند انجام شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش را خبرگان و صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات که شامل اساتید علوم ارتباطات، روزنامه‌نگاران، تحلیل‌گران مسائل سیاسی، نویسندگان (دارای حداقل 10 سال سابقه خدمت و حداقل مدرک کارشناسی ارشد) تشکیل می‌داد و به صورت هدفمند قضاوتی انتخاب گردید و پایان نمونه‌گیری از طریق اشباع نظری در نظر گرفته شد. به این صورت پس از 8 نفر مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد و تا 12 نفر مصاحبه هم ادامه یافت و این مسئله باعث شد که محقق از ادامه مصاحبه دست بردارد. برای حصول از اعتبار و اعتماد پژوهش، تحلیل و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش و تحلیل و

بازبینی توسط همکاران پژوهش (پس از تحلیل داده‌ها، نتایج آن‌ها توسط خبرگان دیگر مورد بررسی قرار گرفت) و جهت اطمینان‌پذیری داده‌ها از بازبینی مجدد توسط خود پژوهشگر و پژوهشگر همکار استفاده گردید.

ب: بخش کمی

روش تحقیق در این بخش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات از نوع مطالعه موردی بود.

در قسمت مربوط به حجم جامعه آماری در بخش کمی (بعد از طراحی پرسشنامه) کلیه دانشجویان مشغول به فعالیت در دانشگاه آزاد اسلامی کرج انتخاب شدند که با توجه به تعداد زیاد آن‌ها، حجم نمونه 384 نفر تعیین شد که این عدد با جدول مورگان نیز مطابقت دارد. نمونه آماری نیز با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده انتخاب شد. چرا که در این روش هر یک از عناصر جامعه مورد نظر، برای انتخاب شدن شانس مساوی دارند.

روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظر خبرگان و روایی سازه از طریق تحلیل عاملی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی شد و به دلیل این‌که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای هر گویه بیشتر از 70 صدم به دست آمد، لذا به لحاظ پایایی مورد تأیید قرار می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SmartPls استفاده گردید.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو قسمت کیفی و کمی مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرد.

الف: بخش کیفی:

براساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته طی شش مرحله تحلیل مضمون به روش براون و کلارک (2006) که شامل؛ آشنایی با داده‌ها، استخراج کدهای اولیه، شناسایی تم‌ها، بررسی تم‌ها، تعریف تم‌ها و ایجاد شبکه تم‌ها است، انجام گرفت. از 12 مصاحبه صورت گرفته 285 کد اولیه مستخرج گردید که با حذف کدهای مشترک، 136 مضمون پایه کاهش یافت. لذا تحلیل کدها، به شناسایی 29 مضمون فرعی یا سازمان‌دهنده منجر گردید که درنهایت از دسته‌بندی آن‌ها، مضمون فراگیر یا اصلی استخراج گردید.

جدول 1. شناسایی مضامین پایه، فرعی و اصلی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
چالش سیاسی	تاریخچه سیاسی کشور	تجربه انقلاب اسلامی - تجربه جنگ تحمیلی - تجربه تحولات اجتماعی
چالش سیاسی	ساختار جامعه	میزان دموکراسی - دموکراسی مقبول مردم - رقابت دموکراتیک - آزادی‌های مدنی - انتخابات آزاد - تفکرات حاکم بر جامعه - ظرفیت و توانمندی جامعه - میزان سرمایه اجتماعی دولت‌ها پس از پایان کار - باز بودن حق انتخاب - تایید صلاحیت گرایش‌های گوناگون - اعتماد سیاسی به حاکمان - احساس آزادی سیاسی
چالش سیاسی	آگاهی سیاسی	سطح آگاهی و آموزش سیاسی مردم - دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها - فهم عمومی جامعه نسبت به مشکلات سیاسی - اهمیت قائل بودن برای نتایج انتخابات - تعهد به کشور - عدم رشد دانش سیاسی - عدم آگاهی سیاسی مردم
چالش سیاسی	فرهنگ سیاسی	باورهای مردم نسبت به سیاست - ارزش‌های مردم نسبت به سیاست و مشارکت - نگرش‌های فرهنگی نسبت به سیاست و مشارکت - قدرت و کارآمدی رأی مردم - بالا بودن قدرت انتخابات - انسجام اجتماعی - اعتماد عمومی - حفظ وحدت و همبستگی

چالش سیاسی	عدم اعتماد به نهادهای سیاسی	عدم اعتماد به نهادهای سیاسی - کاهش اعتماد به نظام - عدم همبستگی ملت و حاکمیت - قطع اتکا و اعتماد جامعه به روندهای اجتماعی - شعارهای پوچ - عدم توانایی سیاست در حل مسائل - احساس بی‌اعتمادی - احساس یأس - کاهش اعتماد عمومی - سست شدن ارتباط مردم با دولت‌ها - صداقت در گفتار و کردار - افزایش نارضایتی اجتماعی
چالش سیاسی	ضعف سیاسی	کارکرد پایین دولت - از بین رفتن نهادهای سیاسی - عدم پیوستگی نهاد سیاست با عرصه اقتصادی
چالش سیاسی	سرکوب سیاسی	محدودیت آزادی‌های سیاسی و اجتماعی - سرکوب معترضان - گردش دولت میان غیرنخبه‌ها - مسائل حجاب - مسائل فیلترینگ - افزایش میل به مهاجرت - نبود فرصت برای تفکرات جدید
چالش سیاسی	فرسایش سیاسی	کاهش احساس تعلق به نظام - کاهش هویت ملی
چالش سیاسی	فرار از سیاست	نامیدی از تغییرات سیاسی - سرخوردگی سیاسی
چالش سیاسی	مشکلات احزاب	عدم شکل‌گیری احزاب از دل مردم - نبود نقش احزاب در انتخابات - عدم تحزب‌گرایی - ضعف احزاب سیاسی
چالش اقتصادی	فساد	فقر و نابرابری - فساد - شکاف طبقاتی - از دست دادن ظرفیت اجتماعی دولت - اختلاس - استمرار اختلاس‌ها
چالش اقتصادی	عدم تحقق وعده‌های اقتصادی	عملی‌نشدن وعده‌ها - سرخوردگی اقتصادی - بی‌ثباتی - تورم
چالش اقتصادی	سیاست‌های اقتصادی	ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی - عدم بهبود معیشت - افزایش تورم - افزایش بیکاری
چالش اقتصادی	مشکلات اقتصادی	بحران اقتصادی - بی‌توجهی به ساخت اقتصاد - افزایش تورم - گرانی - تورم و بیکاری (شاخص فلاکت) - تحریم - کاهش سرمایه‌گذاری مولد - درآمد سرانه پایین - مشکلات معیشتی - افزایش نرخ ارز - افزایش نرخ مسکن - افزایش قیمت سبد معیشت - توجه به نیازهای اولیه - کوچک شدن سفره مردم
چالش رسانه	رسانه	رسانه‌های اپوزیسیون - فضای مجازی
چالش رسانه	کنترل رسانه	برخورد نادرست با رسانه‌ها - محدودیت رسانه‌ای
چالش رسانه	تبلیغات	تبلیغات رسانه‌ای - تبلیغات رسانه‌های معارض - تبعیض تبلیغاتی - تبلیغات خصمانه داخلی و خارجی - سطح استفاده از رسانه
چالش حاکمیتی	حکمرانی غلط	نوع حکمرانی فرهنگی و اجتماعی - کاهش امید به تغییر - محدودیت‌های انتخاباتی - کاهش انگیزه مشارکت - مدیریت و مهندسی انتخابات - عدم مشارکت دادن نخبگان - نوع نگاه حاکمیت به انتخاب مردم
چالش حاکمیتی	انباشت مطالبات مردم	انباشت مطالبات حل‌نشده - قصور دولت‌ها - فراموشی وعده‌ها - پاسخگو نبودن دولت‌ها - نرسیدن به خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی - عدم پایبندی به شعارها - بی‌توجهی به مردم - عدم پاسخگویی مسئولین
چالش حاکمیتی	اعتراضات	بی‌اعتمادی ناشی از سرکوب - برخورد نهادهای امنیتی با معترضان
چالش حاکمیتی	عدم پاسخگویی	پاسخگو نبودن نهادها - بی‌توجهی به مردم

چالش حاکمیتی	سرکوب آزادی‌های مدنی	سرکوب اعتراضات - سرکوب فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی
چالش حاکمیتی	عدم شفافیت	نبود شفافیت انتخاباتی - شفاف نبودن تصمیم‌گیری‌ها
چالش قانونی	قدرت قانون	قوانین منسجم - قانون اساسی جامع - اطمینان مردم به قواعد انتخابات حزبی - اهمیت نظارت اجتماعی
چالش قانونی	محدودیت‌های قانونی	رد صلاحیت‌ها - کاهش تنوع انتخاب - محدودیت رسانه‌ای
چالش محیطی	تجربه‌های منفی انتخابات	غیرقابل پذیرش بودن نتایج - دلسردی از عملکرد رؤسای جمهور گذشته
چالش محیطی	نگرش مردم	پاسخ به مطالبات - مطالبات طبقاتی، سیاسی، فرهنگی، قومیتی، هنجاری - نگرش مردم به جامعه - میزان رضایت از زندگی
چالش محیطی	ویژگی جمعیت‌شناسی	سن - جنسیت - تأهل - تحصیلات - مذهبی بودن
چالش محیطی	عملکرد کاندیداها	اهمیت به نتایج انتخابات - شعارها - عملکرد ستادهای انتخاباتی

نتایج تحلیل مضامین پژوهش نشان می‌دهد که مضامین سازمان‌دهنده فراگیر یا اصلی در زمینه چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران شامل 6 مورد می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود مضامین سازمان‌دهنده اصلی شامل مضامین چالش سیاسی، چالش اقتصادی، چالش رسانه، چالش حاکمیتی، چالش قانونی و چالش محیطی می‌باشد.

ب: بخش کمی:

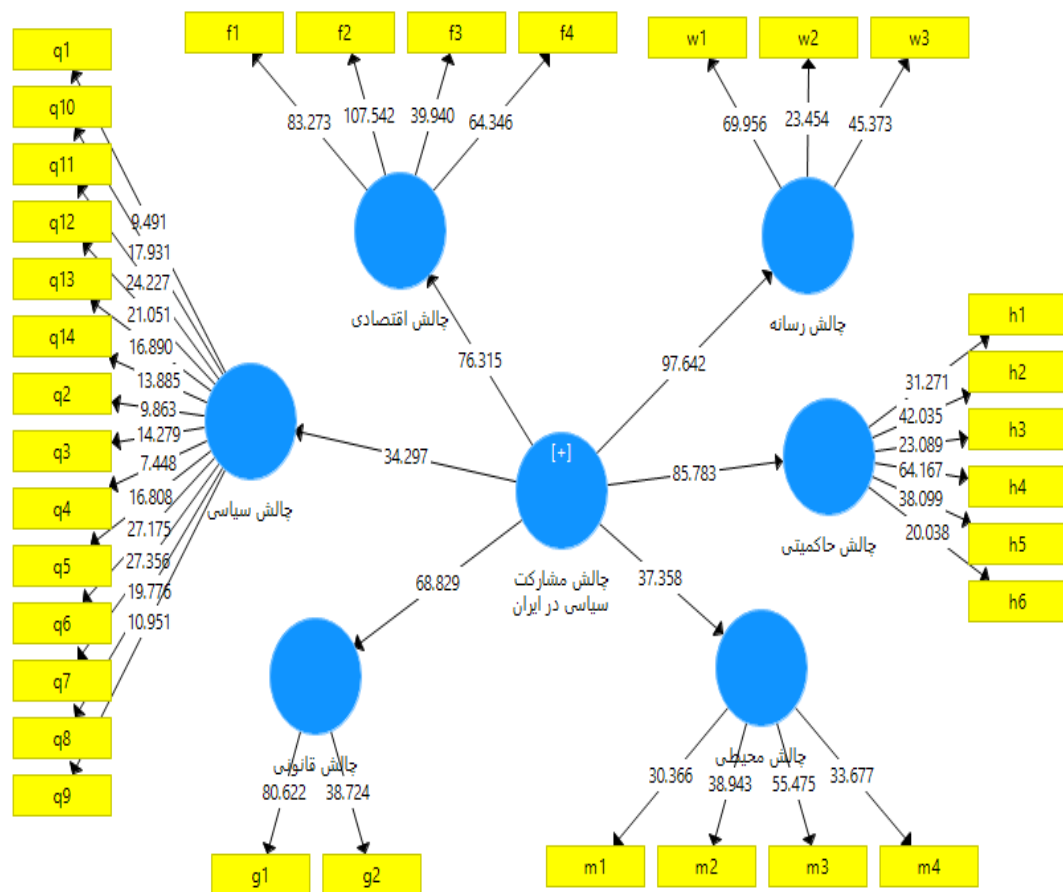
براساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی پرسشنامه، تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی ۳۷۲ نفر شرکت‌کننده در پرسشنامه نشان می‌دهد که ۲۲۷ نفر (۶۱٪) مرد و ۱۴۵ نفر (۳۹٪) زن بوده‌اند. از نظر توزیع سنی، ۳۶ نفر (۷٪/۹) کمتر از ۲۵ سال، ۶۰ نفر (۱٪/۱۶) بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۱۷ نفر (۵٪/۳۱) بین ۳۱ تا ۳۵ سال، ۱۱۹ نفر (۳۲٪) بین ۳۶ تا ۴۰ سال و ۴۰ نفر (۸٪/۱۰) بیش از ۴۱ سال سن داشته‌اند. در زمینه سطح تحصیلات، اکثریت شرکت‌کنندگان دارای مدرک کارشناسی (۲۱۲ نفر، ۵۷٪) بوده‌اند، در حالی که ۱۴۴ نفر (۷٪/۳۸) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۶ نفر (۳٪/۴) دارای مدرک دکتری بوده‌اند.

در بخش استنباطی برای این‌که پرسشنامه مورد اعتباریابی قرار گیرد، ابتدا باید مشخص شود تعداد نمونه از کفایت لازم برای استفاده از تحلیل عاملی برخوردار است یا نه، از آزمون کفایت نمونه‌گیری کیزر-میر-اولکین که با علامت اختصاری KMO مشخص می‌شود، مورد تحلیل قرار گرفت. مقدار آزمون کیزر، میر و اولکین برابر با (0/888) به‌دست آمد و با توجه به این‌که سطح معناداری آزمون کرویت بارتلست کمتر از سطح خطای 5 صدم می‌باشد، بنابراین از کفایت نمونه برخوردار است.

جدول 2. بررسی کفایت نمونه‌گیری

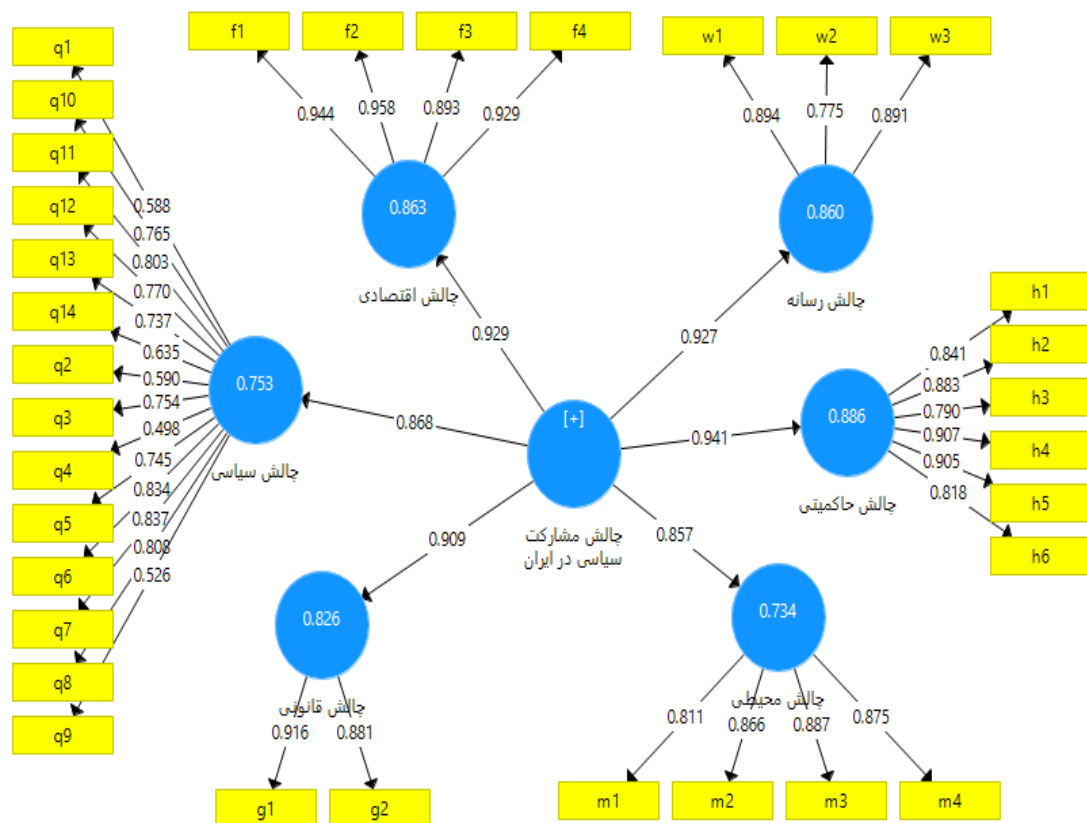
0.966	کفایت نمونه‌گیری کیزر-میر-اولکین	آزمون کرویت بارتلست
11351.476	کای اسکوئر	
528	درجه آزادی	
0.000	سطح معناداری (sig)	

در این بخش، روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای این کار از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم از طریق نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است.



شکل 1. مقادیر t برای روابط بین متغیرهای پژوهش مدل ساختاری در حالت معناداری (t -value)

همان‌طور که در شکل 1 و 2 ملاحظه می‌شود اعتبار کل شاخص‌ها و گویه‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد. طبق اطلاعات شکل 1 مقدار t چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران بیشتر از مقدار بحرانی آن در سطح 5 صدم ($1/96$) قرار دارد و لذا اعتبار شاخص‌ها و گویه‌ها را می‌توان مورد تأیید قرار داد.



شکل 2. بررسی تأثیر متغیرهای پژوهش با مدل ساختاری در حالت ضرایب استاندارد

در جدول 2 نتایج مربوط به تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم آمده است و نشانگر تأیید گویه‌ها و روابط برخی مسیرها می‌باشد.

جدول 3. بررسی تأثیر ضرایب مسیرها

نتیجه	P Values	مقدار t	انحراف معیار	ضریب تأثیر	
تأیید	0.000	83.273	0.011	0.944	f1 -> چالش اقتصادی
تأیید	0.000	107.542	0.009	0.958	f2 -> چالش اقتصادی
تأیید	0.000	39.940	0.022	0.893	f3 -> چالش اقتصادی
تأیید	0.000	64.346	0.014	0.929	f4 -> چالش اقتصادی
تأیید	0.000	80.622	0.011	0.916	g1 -> چالش قانونی
تأیید	0.000	38.724	0.023	0.881	g2 -> چالش قانونی
تأیید	0.000	31.271	0.027	0.841	h1 -> چالش حاکمیتی
تأیید	0.000	42.035	0.021	0.883	h2 -> چالش حاکمیتی
تأیید	0.000	23.089	0.034	0.790	h3 -> چالش حاکمیتی
تأیید	0.000	64.167	0.014	0.907	h4 -> چالش حاکمیتی
تأیید	0.000	38.099	0.024	0.905	h5 -> چالش حاکمیتی
تأیید	0.000	20.038	0.041	0.818	h6 -> چالش حاکمیتی
تأیید	0.000	30.366	0.027	0.811	m1 -> چالش محیطی
تأیید	0.000	38.943	0.022	0.866	m2 -> چالش محیطی
تأیید	0.000	55.475	0.016	0.887	m3 -> چالش محیطی

m۴ -> چالش محیطی	0.875	0.026	33.677	0.000	تأیید
q۱ -> چالش سیاسی	0.588	0.062	9.491	0.000	تأیید
q۱۰ -> چالش سیاسی	0.765	0.043	17.931	0.000	تأیید
q۱۱ -> چالش سیاسی	0.803	0.033	24.227	0.000	تأیید
q۱۲ -> چالش سیاسی	0.770	0.037	21.051	0.000	تأیید
q۱۳ -> چالش سیاسی	0.737	0.044	16.890	0.000	تأیید
q۱۴ -> چالش سیاسی	0.635	0.046	13.885	0.000	تأیید
q۲ -> چالش سیاسی	0.590	0.060	9.863	0.000	تأیید
q۳ -> چالش سیاسی	0.754	0.053	14.279	0.000	تأیید
q۴ -> چالش سیاسی	0.498	0.067	7.448	0.000	تأیید
q۵ -> چالش سیاسی	0.745	0.044	16.808	0.000	تأیید
q۶ -> چالش سیاسی	0.834	0.031	27.175	0.000	تأیید
q۷ -> چالش سیاسی	0.837	0.031	27.356	0.000	تأیید
q۸ -> چالش سیاسی	0.808	0.041	19.776	0.000	تأیید
q۹ -> چالش سیاسی	0.526	0.048	10.951	0.000	تأیید
w۱ -> چالش رسانه	0.894	0.013	69.956	0.000	تأیید
w۲ -> چالش رسانه	0.775	0.033	23.454	0.000	تأیید
w۳ -> چالش رسانه	0.891	0.020	45.373	0.000	تأیید

همان‌طور که در قسمت قبلی هم بیان شد، بار عاملی (ضریب تأثیر) تمامی گویه‌ها مورد تأیید واقع گردید. به این دلیل که مقدار t تمامی گویه‌ها بالاتر از مقدار بحرانی (1/96) آن در سطح 95٪ اطمینان قرار داشت.

جدول 4. بررسی اعتبار مؤلفه‌ها

نتیجه	P Values	مقدار t	انحراف معیار	ضریب تأثیر	
تأیید	0.000	76.315	0.012	0.929	چالش مشارکت سیاسی در ایران -> چالش اقتصادی
تأیید	0.000	85.783	0.011	0.941	چالش مشارکت سیاسی در ایران -> چالش حاکمیتی
تأیید	0.000	97.642	0.009	0.927	چالش مشارکت سیاسی در ایران -> چالش رسانه
تأیید	0.000	34.297	0.025	0.868	چالش مشارکت سیاسی در ایران -> چالش سیاسی
تأیید	0.000	68.829	0.013	0.909	چالش مشارکت سیاسی در ایران -> چالش قانونی
تأیید	0.000	37.358	0.023	0.857	چالش مشارکت سیاسی در ایران -> چالش محیطی

همان‌طور که اطلاعات جدول 4 نشان می‌دهد، می‌توان گفت که روابط بین متغیرها مورد تأیید واقع می‌گردد و مدل تحقیق تأیید می‌شود.

برازش کلی مدل:

جدول 5. برازش کلی مدل

متغیرها	ضرایب تعیین	مقادیر اشتراکی
چالش اقتصادی	0.863	0.740
چالش حاکمیتی	0.886	0.647
چالش رسانه	0.860	0.616
چالش سیاسی	0.753	0.35
چالش قانونی	0.826	0.657
چالش محیطی	0.734	0.527
میانگین	0.82	0.58
GOF	0.689	

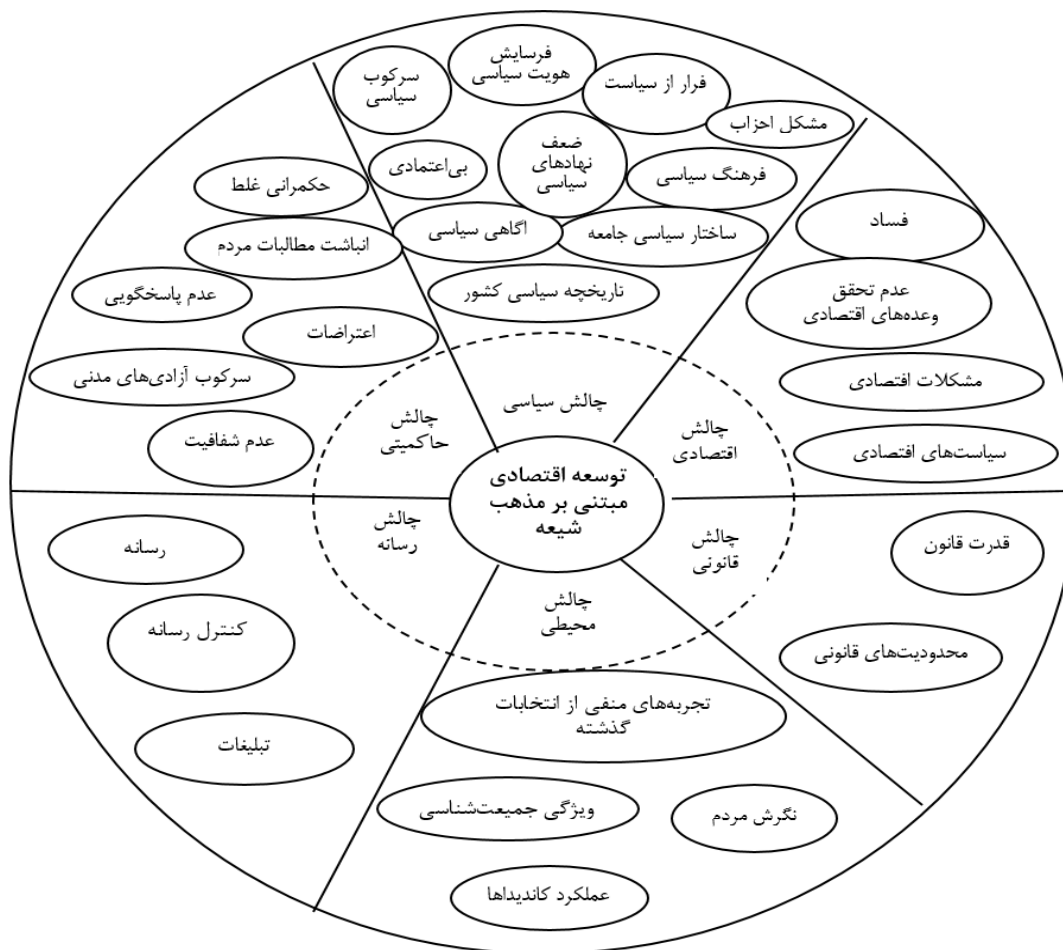
همان طور که در جدول فوق ملاحظه شد میزان معیار نیکویی برازش برابر با 0/689 به دست آمده و نشان از برازش مطلوب و قوی مدل دارد.

جدول 6. نتایج مربوط به آزمون آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و واریانس استخراج شده

متغیرها	آلفای کرونباخ Alpha>0.7	پایایی ترکیبی cr>0.7	میانگین واریانس استخراجی AVE>0.4	نتیجه
چالش اقتصادی	0.949	0.963	0.867	تأیید
چالش حاکمیتی	0.928	0.944	0.737	تأیید
چالش رسانه	0.817	0.890	0.731	تأیید
چالش سیاسی	0.923	0.935	0.512	تأیید
چالش قانونی	0.764	0.894	0.808	تأیید
چالش محیطی	0.883	0.919	0.740	تأیید

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان مدل نهایی تحقیق را به شکل زیر ترسیم کرد.

همان‌طور که در شبکه‌سازی مضامین ملاحظه می‌شود، مضامین فراگیر شامل چالش سیاسی (فرسایش هویت سیاسی، سرکوب سیاسی، فرار از سیاست، مشکل احزاب، ضعف نهادهای سیاسی، بی‌اعتمادی، ساختار سیاسی جامعه، آگاهی سیاسی، تاریخچه سیاسی کشور)، چالش اقتصادی (فساد، عدم تحقق وعده‌های اقتصادی، مشکلات اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی)، چالش قانونی (قدرت قانون، محدودیت‌های قانونی)، چالش محیطی (تجربه‌های منفی از انتخابات گذشته، نگرش مردم، ویژگی جمعیت‌شناسی، عملکرد کاندیدادها)، چالش رسانه (رسانه، کنترل رسانه، تبلیغات) و چالش حاکمیتی (عدم شفافیت، سرکوب آزادی‌های مدنی، اعتراضات، عدم پاسخگویی، انباشت مطالبات مردم، حکمرانی غلط) می‌باشد.



شکل 1. الگوی نهایی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری:

یکی از چالش‌های اصلی مشارکت سیاسی در ایران، چالش‌های سیاسی است. تحلیل این بخش نشان می‌دهد که تاریخچه سیاسی کشور، از جمله تجربه انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تحولات اجتماعی، در گذشته زمینه‌ساز انگیزه مردم برای حضور در انتخابات بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر، عواملی مانند عدم احساس آزادی در انتخاب نامزدها، محدودیت‌های دموکراتیک و نارضایتی از نتایج انتخابات موجب کاهش انگیزه و مشارکت سیاسی شهروندان شده است. علاوه بر این، افزایش آگاهی سیاسی مردم از طریق دسترسی گسترده به رسانه‌ها و فضای مجازی، ضعف نهادهای سیاسی، سرکوب سیاسی، فرسایش هویت سیاسی و مشکلات مرتبط با احزاب نیز نقش موثری در کاهش مشارکت ایفا کرده‌اند. میزان همبستگی میان دولت و مردم نیز از دیگر عوامل تعیین‌کننده است؛ هرچه نهادهای حاکمیتی و قوای سه‌گانه بتوانند حس همبستگی ملی را در جامعه تقویت کنند، مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، تبلیغات رسانه‌های معارض که ضعف‌ها را بزرگ‌نمایی و قوت‌ها را کوچک‌نمایی می‌کنند، فضای منفی ایجاد کرده و بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار است. نهایتاً، اعتماد عمومی به دولت یکی از مهم‌ترین عوامل مشارکت سیاسی محسوب می‌شود و مطالعات متعدد نشان داده‌اند که رابطه‌ای مثبت بین اعتماد مردم به نهادهای حاکمیتی و میزان مشارکت سیاسی وجود دارد. به عنوان مثال، گلدفینچ و همکاران¹ (2009) استدلال می‌کنند که سطوح بالاتر اعتماد در بخش

¹ Goldfinch & et al

های مختلف دولتی می تواند سطح مشارکت در سیاست را افزایش دهد (کارتر و بلانگر^۱، ۲۰۰۵؛ تولبرت و موسبرگر^۲، ۲۰۰۶؛ ولش، هینانت، و مون^۳، ۲۰۰۵). مطالعات دیگر همچنین نشان دادند که اعتماد تأثیر مشابهی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی دارد (گیبسون^۴، ۲۰۰۱؛ میشلر و رز^۵، ۲۰۰۵؛ نیلسون و پکستون^۶، ۲۰۱۰؛ کیم، ۲۰۱۴). علاوه بر این، تحلیل سو^۷ (۲۰۱۳) از یک مطالعه فراملی، یک رابطه معیوب بین مشارکت سیاسی و اعتماد عمومی به دولت را نشان می‌دهد. اکثر این مطالعات نشان می‌دهد که سطح بالاتر اعتماد به نهادهای مختلف دولتی، یک محیط مثبت کلی در کل نظام سیاسی ایجاد می‌کند.

چالش دیگری که در زمینه مشارکت سیاسی در ایران شناسایی شد، چالش اقتصادی است. عدم توجه به ساختارهای داخلی اقتصاد، افزایش تورم و گرانی، و گسترش شکاف طبقاتی از مهم‌ترین عواملی بوده‌اند که در سال‌های اخیر مشارکت سیاسی شهروندان را کاهش داده‌اند. در برخی دوره‌ها، بی‌توجهی دولت‌های گذشته به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم منجر به تورم گسترده و فشارهای معیشتی قابل توجه شده است. هم‌زمان، تبلیغات متمرکز و یک‌جانبه برخی رسانه‌ها که ضعف‌ها را بزرگ‌نمایی و قوت‌های نظام جمهوری اسلامی را کوچک جلوه می‌دهند، موجب تضعیف حس همبستگی میان ملت و حاکمیت شده است. این اقدامات رسانه‌ای با برجسته کردن مشکلات موجود، نوعی سرخوردگی ملی در بخشی از جامعه ایجاد کرده و به شکل مستقیم بر کاهش مشارکت سیاسی مردم، به ویژه در عرصه انتخابات، تأثیرگذار بوده است. واگنر و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که فساد باعث کاهش اعتماد در جامعه نسبت به احزاب سیاسی می‌شود و شهروندان را به جدایی از سیاست تشویق می‌کند (استاکمر، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، بر اساس یک مطالعه تجربی توسط کوستادینوا و کمتی^۸ (۲۰۱۹)، تجربیات واقعی با هر شکلی از رشوه، فساد و ادراک فساد گسترده در سیستم، اساساً مردم را تشویق می‌کند تا در فعالیتهای مختلف سیاسی جهت تغییر دادن شرکت کنند.

یکی دیگر از چالش‌های شناسایی‌شده در حوزه مشارکت سیاسی در ایران، چالش حاکمیتی است. زمانی که حکمرانی مطلوب برقرار باشد، به مطالبات مردم پاسخ داده شود، وعده‌های انتخاباتی عملی گردد، آزادی‌های مدنی محدود یا سرکوب نشود و فرایند و نتایج انتخابات شفاف باشد، می‌توان انتظار داشت که مشارکت سیاسی در جامعه افزایش یابد و شهروندان با اعتماد و انگیزه بیشتری در عرصه‌های سیاسی حضور پیدا کنند. مطالعه معینول و همکاران^۹ (۲۰۱۷) در بافت آسیای جنوبی نشان می‌دهد که حکمرانی خوب با فعالیت سیاسی همبستگی مثبتی دارد. در حالی که سطح کیفیت، اثربخشی، کارایی و مسئولیت‌پذیری بخش عمومی اغلب برای تعیین حکمرانی خوب استفاده می‌شود (خان^{۱۰}، ۲۰۱۵).

چالش قانونی از دیگر مسائل شناسایی‌شده در زمینه مشارکت سیاسی در ایران است. هرچه قوانین مرتبط با مشارکت سیاسی قدرتمند، منسجم و مورد پذیرش و اعتماد مردم باشند، زمینه حضور فعال شهروندان در فرآیندهای سیاسی فراهم‌تر خواهد شد. در این راستا، چارچوب قانون اساسی نقش محوری در شکل‌دهی به مشارکت سیاسی، نظام انتخاباتی، میزان کثرت‌گرایی و فرصت‌های مشارکت گروه‌های ذینفع و محیط عمومی حقوق سیاسی و مدنی ایفا می‌کند. همچنین، قوانین و مقررات تأثیر مستقیمی بر عملکرد سیستم قضایی و ساختارهای سازمانی مرتبط با شهروندان داشته و نحوه

¹ Carter and Belanger

² Tolbert & Mossberger

³ Welch, Hinnant, and Moon

⁴ Gibson

⁵ Mishler & Rose

⁶ Neilson & Paxton

⁷ Suh's

⁸ Kostadinova & Kmetty

⁹ Moinul & et al

¹⁰ Khan

تعامل آنها با نهادهای سیاسی و اجتماعی را تعیین می‌کند (فلیکنگر و استودلار^۱، ۱۹۹۲؛ فرانکلین^۲، ۱۹۹۶؛ نوریس، ۲۰۰۲).

چالش محیطی نیز از دیگر مسائل شناسایی‌شده در زمینه مشارکت سیاسی در ایران است. تجربه‌های منفی از انتخابات گذشته و نگرش مردم نسبت به فرآیند انتخابات، صلاحیت نمایندگان و نتایج آن می‌تواند نقش قابل توجهی در میزان مشارکت سیاسی شهروندان داشته باشد. علاوه بر این، عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات و همچنین عملکرد و ویژگی‌های کاندیداها تأثیر مستقیمی بر مشارکت سیاسی دارد؛ هرچه کاندیداها توانمندتر، متخصص‌تر و کارآمدتر باشند، مشارکت سیاسی افزایش خواهد یافت. تحقیقات اولیه نیز نشان می‌دهد که زنان به‌طور کلی نسبت به مردان میزان مشارکت کمتری در فرآیندهای سیاسی دارند. به عنوان مثال، ولفینگر و استیون (۱۹۸۰) دریافتند که زنان در ایالات متحده در سال ۱۹۷۲ زمانی که سایر متغیرهای اصلی مانند تحصیلات، سن و پول کنترل می‌شدند، ۲ درصد کمتر از مردان احتمال رأی دادن داشتند. در مقابل، در شرایط مشابه، رای دهندگان زن به مرور زمان بیشتر از مردها رای دادند. به گفته لیلی و ناگلر^۳ (۱۹۹۲)، زنان در انتخابات ۱۹۸۴ آمریکا بیشتر از مردان رای دادند. در مطالعه بعدی، آنها داده‌های انتخابات را از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ بررسی کردند و دریافتند که اگر سایر متغیرها کنترل شوند، نسبت زنان رای دهنده ۴ درصد بیشتر از درصد مردان از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۸ افزایش یافته است (لیگلی و ناگلر، ۲۰۱۳: ۷۴). افراد مسن به دلیل محدودیت‌های فیزیکی ناشی از آن، تمایل کمتری به مشارکت در سیاست نسبت به افراد جوان دارند. در حالی که افراد میانسال صرف نظر از جنسیت، بیشترین مشارکت را دارند. اگرچه سن برخی از تأثیرات ظاهری بر رفتار رای دادن دارد، اما عمدتاً تحت تأثیر سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و درآمد است (وولفینگر و استیون، ۱۹۸۰: ۴۱). در مقابل این دیدگاه، لیگلی و ناگلر (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که چگونه رای‌دهی گروه‌های سنی مختلف از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ در ایالات متحده تغییر کرده است. جالب اینجاست که با گذشت زمان گروه‌های سنی (۴۶-۶۰ تا ۶۱-۷۵؛ ۴۶-۶۰ تا ۷۶-۸۴ سال) افزایش تدریجی درصد رای را نشان می‌دهند در حالی که هر سه گروه سنی جوان (۱۸-۲۴ تا ۲۴-۴۶؛ ۲۴-۳۰ تا ۳۱-۴۵؛ ۴۵-۶۰ سال) رو به کاهش است. در عین حال، گروه سنی جوانی که گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بودند، از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ تقریباً ۲۰ درصد کاهش رای نسبت به گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال داشتند. همچنین افراد دارای تحصیلات ابتدایی بالاترین میزان مشارکت در انتخابات را در کشورهای آفریقایی دارند، نه در کشورهای دارای تحصیلات عالی (براتون و همکاران، ۲۰۰۶).

چالش رسانه‌ای نیز از دیگر مسائل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی در کشور محسوب می‌شود. با توجه به نقش برجسته رسانه‌ها در عصر حاضر، هر گونه بی‌عدالتی یا نابرابری در این حوزه می‌تواند به عنوان یک شمشیر دو لبه عمل کرده و تأثیر منفی بر مشارکت سیاسی داشته باشد. از این رو، توجه ویژه به رسانه‌های داخلی و بهره‌گیری از آنها به عنوان ابزاری سالم و هدفمند برای اطلاع‌رسانی صحیح و آگاه‌سازی شهروندان، نقش مهمی در تقویت مشارکت سیاسی ایفا می‌کند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و مضامین اصلی شناسایی‌شده در زمینه چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران، پیشنهاد می‌شود اقدامات متنوعی در سطح سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای، حاکمیتی، قانونی و محیطی انجام شود. در بعد سیاسی، برگزاری جلسات گفت‌وگوی عمومی، حضوری یا آنلاین، و توسعه نهادهای مدنی و غیردولتی به‌ویژه گروه‌های جوانان، زنان و اقلیت‌ها، همراه با کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی، می‌تواند آگاهی و اعتماد عمومی را تقویت کند. در بعد اقتصادی، افزایش دسترسی به اطلاعات اقتصادی، برنامه‌های آموزشی، فرصت‌های اشتغال و کارآفرینی، و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و استارت‌آپ‌ها، علاوه بر تقویت توان اقتصادی، مشارکت سیاسی را ارتقا می‌دهد. در حوزه رسانه، ایجاد پلتفرم‌های مستقل و متنوع، ارائه اطلاعات بی‌طرف و گزارش‌های تحقیقی، و حمایت از خبرنگاران برای دسترسی به اخبار معتبر، می‌تواند شفافیت و انگیزه برای مشارکت را افزایش دهد. از منظر حاکمیتی، تقویت شفافیت و پاسخگویی نهادهای دولتی،

¹ Flickinger & Studlar

² Franklin

³ Leighley and Nagler's

اصلاح فرآیندهای نظارت بر عملکرد مقامات، و برگزاری نشست‌های عمومی با مشارکت شهروندان، اعتماد مردم را به تصمیم‌گیری‌های کلان افزایش می‌دهد. در بعد قانونی، اصلاح و ساده‌سازی فرآیندهای ثبت‌نام در انتخابات، کاهش محدودیت‌ها برای احزاب و گروه‌های اجتماعی و شفاف‌سازی قوانین مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، زمینه حضور و مشارکت گسترده‌تر افراد را فراهم می‌کند. نهایتاً، در بعد محیطی، پاسخ‌دهی صحیح و قانع‌کننده به مطالبات مردم، پایبندی به شعارهای انتخاباتی و عملکرد ملموس دولت، می‌تواند نگرش مثبت شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی را تقویت نماید.

منابع

1. ابراهیمی کیایی، هادی؛ ابراهیمی، قربانعلی و بابازاده بائی، علی (1397). مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه تطبیقی دانشجویان و شهروندان). رهیافت انقلاب اسلامی، 12(45)، 3-20.
2. احمدی سفیدان، حسین و نصیرزاده، زهرا (1399). بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دهم. سیاست متعالیه، 8(29)، 231-252.
3. شب افروز اکبری، نیما؛ مرشدی زاد، علی؛ نوذری، حسینعلی و احمدی، حمید (1402). بررسی و تحلیل بحران‌های درهم تنیده در دولت حسن روحانی و پیامدهای آن در مشارکت سیاسی (1392-1400). پژوهش‌های راهبردی سیاست، 12(45)، 97-132.
4. عباسی‌شوازی، محمدتقی؛ پناهی‌نسب، صادق و اسمعیل‌خانی، درنا. (1401). مطالعه رابطه جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، 27(5)، 5081-5102.
5. عبدالله، عبدالمطلب (1396). تأثیر مؤلفه‌های مذهبی بر رفتار رأی‌دهی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی. علوم سیاسی، 20(شماره 77 - بهار 96)، 31-54.
6. محمدی پشتهانی، روانبخش؛ پرتوی، اصغر و طاهری، ابوالقاسم (1401). شبکه‌های اجتماعی و آینده مشارکت سیاسی. آینده پژوهی ایران، 7(1)، 135-157.
7. ملتفت، حسین؛ شجاعی، حسن و کمالوند، حسین (1400). فراتحلیل مطالعات دینداری و مشارکت سیاسی. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، 13(25)، 247-274.
8. نوریان، احسان؛ گلپایگانی، حسن؛ و بهشتی نیا، ادریس (1402). تبیین ژئوپلیتیک مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران؛ از مفهوم تا کارکردها. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، 13(50).
1. Brodie, E., Cowling, E., Nissen, N., Paine, A. E., Jochum, V., & Warburton, D. (2009). Understanding participation: A literature review. London: Involve.
2. Carter, L., & Bélanger, F. (2005). The utilization of e-government services: citizen trust, innovation and acceptance factors. *Information systems journal*, 15(1), 5-25.
3. Eder, C., & Stadelmann Steffen, I. (2017). Measuring political participation. European Consortium for Political Research, September 6-9, 2017. Retrieved from: <https://ecpr.eu/Events/SectionDetails.aspx?SectionID=634&EventID=96> Search in Google Scholar.
4. Flickinger, R. S., & Studlar, D. T. (1992). The disappearing voters? Exploring declining turnout in Western European elections. *West European Politics*, 15(2), 1-16.
5. Franklin, M. N. (1996). Electoral participation. *Comparing democracies: Elections and voting in global perspective*, 216-235.
6. Goldfinch, S. G. (2009). The participation divide? political participation, trust in government, and e-government in Australia and New Zealand. *Australian Journal of Public Administration*, 68(3), 333-350.
7. Henn, M., Oldfield, B., & Hart, J. (2018). Postmaterialism and young people's political participation in a time of austerity. *British Journal of Sociology*, 69(3), 712-737.

8. Ivaldi, E., Bonatti, G., & Soliani, R. (2017). An indicator for the measurement of political participation: The case of Italy. *Social Indicators Research*, 132(2), 605-620.
9. Johnson, C. (2015). Local civic participation and democratic legitimacy: Evidence from England and Wales. *Political Studies*, 63(4), 765-792.
10. Joshua McDonnell (2020) Municipality size, political efficacy and political participation: a systematic review, *Local Government Studies*, 46:3, 331-350, DOI: 10.1080/03003930.2019.1600510
11. Khan, A. A. (2015). The relevance of the concept of good governance: revisiting goals, agendas and strategies. In *Governance in South, Southeast, and East Asia: Trends, Issues and Challenges* (pp. 101-115). Springer.
12. Kilybayeva, S., Nassimova, G., & Massalimova, A. (2017). The Kazakhstani youth's engagement in politics. *Studies of Transition States and Societies*, 9(1), 53-71.
13. Kim, H. H. (2014). Generalised trust, institutional trust and political participation: A crossnational study of fourteen Southeast and Central Asian countries. *Asian Journal of Social Science*, 42(6), 695-721.
14. Kostadinova, T., & Kmetty, Z. (2019). Corruption and political participation in Hungary: Testing models of civic engagement. *East European Politics and Societies*, 33(3), 555-578.
15. Leighley, J. E., & Nagler, J. (2013). *Who votes now?: Demographics, issues, inequality, and turnout in the United States*. Princeton University Press.
16. Magdelina Kitanova (2020) Youth political participation in the EU: evidence from a cross-national analysis, *Journal of Youth Studies*, 23:7, 819-836, DOI: 10.1080/13676261.2019.1636951
17. Mishler, W., & Rose, R. (2005). What are the political consequences of trust? A test of cultural and institutional theories in Russia. *Comparative Political Studies*, 38(9), 1050-1078.
18. Moinul Islam, A. N. (2017). The Performance-Participation Nexus in Bangladesh: Evidence from a Panel Data Analysis. *Journal of South Asian Development*, 65-88.
19. Muhammad Saud, Rachmah Ida & Musta'in Mashud (2020) Democratic practices and youth in political participation: a doctoral study, *International Journal of Adolescence and Youth*, 25:1, 800-808, DOI: 10.1080/02673843.2020.1746676
20. Neilson, L. A., & Paxton, P. (2010). Social capital and political consumerism: A multilevel analysis. *Social Problems*, 57(1), 5-24.
21. Oser, J., & Hooghe, M. (2018). Democratic ideals and levels of political participation: The role of political and social conceptualisations of democracy. *The British Journal of Politics and International Relations*, 20(3), 711-730. [10.1177/1369148118768140](https://doi.org/10.1177/1369148118768140)
22. Salovaara, I. (2015). Digital democracies and networked publics. In J. Zielonka (Ed.), *Media and politics in new democracies: Europe in a comparative perspective* (pp. 154-64). Oxford: Oxford University Press.
23. Strömbäck, J., Falasca, K., & Kruikemeier, S. (2018). The mix of media use matters: Investigating the effects of individual news repertoires on offline and online political participation. *Political Communication*, 35(3), 413-432.
24. Suh, H. (2013). Correlation between social capital and political participation: Considering national economic, political development, and economic inequality. *University of Arizona*, 1-28.
25. Tolbert, C. J. & Mossberger, k. (2006). The Effects of E-Government on Trust and Confidence in Government. *Public Administration Review*, May/June.
26. Welch, E. W., Hinnant, C. C., & Moon, M. J. (2005). Linking citizen satisfaction with e-government and trust in government. *Journal of public administration research and theory*, 15(3), 371-391.

27. Yamamoto, M., & Nah, S. (2018). Mobile information seeking and political participation: A differential gains approach with offline and online discussion attributes. *New Media & Society*, 20(5), 2070-2090.
28. Yamamoto, M., & Nah, S. (2018). Mobile information seeking and political participation: A differential gains approach with offline and online discussion attributes. *New Media & Society*, 20(5), 2070-2090.
29. Whiteley, P. (2012). *Political participation in Britain: The decline and revival of civic culture*. New York: Palgrave Macmillan.